اخلاق در مکتب وحی

بیانگر فضائل و رذائل اخلاقی در پرتو قرآن و احادیث اسلامی و کاوش‌های دانشمندان

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

بخش دوم

سلسله مباحث اخلاقی از مجموعه کامل جلسات «اخلاق در مکتب وحی»
مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی سبحانی هر هفته در «هفته‌نامه افق» حوزه منتشر می‌گردد.
در شماره ۷۷۵ مباحثی چون: انسان از منظر فیلسوفان و علمای اخلاق، اخلاق اسلامی امری فطری و از سنخ یادآوری است؛ نه نوآوری و تکامل در یک جهت و غفلت از جهات دیگر، مطرح گردید.

• مبدأ تربیت و سرآغاز آن

چنانکه گذشت، تربیت از نظر بزرگان بالأخص سخنان حکیمانه امیرمؤمنان علیه‌السلام از مقوله یادآوری است نه نوآوری.

مربی پیوسته باید با بیان لطیف و شیرین، کودک را به آنچه که نهاد او بر آن دعوت می‌کند، توجه دهد تا تأکید مربی با خواست فطرت همراه بوده و مایه عمل بر اصل اخلاقی شود.

اکنون سؤال می‌شود، سرآغاز تربیت و پرورش کجاست؟

آیا سرآغاز تربیت هنگامی است که جوان به‌حدی برسد که بتواند، سخنان مربی را بشنود یا سرآغاز تربیت، بالاثر و برتر از این است؟

آنچه که از تعالیم اسلام به دست می‌آید این است که پدر باید از همان دوران ازدواج، به فکر آینده فرزند باشد و در انتخاب همسر هر دو طرف بیندیشند. از باب نمونه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«از خضراء الدمن (گیاهانی که در نقاط آلوده می‌رویند)، بپرهیزید. عرض کردند منظور چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خانه بد و پلید به وجود آمده باشد.

اسلام برای حالت آمیزش آداب و وظائفی معین فرموده که مراقبت هرکدام در سعادت و خوشبختی کودک تأثیر به‌سزایی دارد و بالأخص از آمیزش در حال مستی به‌شدت جلوگیری کرده است؛ زیرا کودکانی که در این حال نطفه آنها بسته می‌شود، از عوارض عصبی درمان‌ناپذیر در امان نیستند.

اسلام تنها به این قسمت اکتفا نکرده و در ایام بارداری و پس از وضع حمل، با موشکافي شگفت‌آوری تمام شئون پرورش کودک را مد نظر گرفته است تا آنجا که به پدران دستور داده، برای فرزندان نام نیکی انتخاب نمایند؛ زیرا نام؛ خصوصاً نامی که حاکی از بندگی کودک نسبت به خدای یکتا باشد، نشانه شخصیت و از نظر روانی اثر نیکی در روح کودک دارد.

اسلام دستور می‌دهد که کودک را پس از تولد، با آب پاک و تمیزی شستشو دهند و در گوش‌های او اذان و اقامه بگویند تا گوش‌های او از روز نخستین، با جمله‌هایی که حاکی از یگانگی خدا و رسالت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و دعوت به کارهای نیک است، آشنا گردد.

اگر مردم در آن روز اسرار این تعالیم عالی را به‌درستی درک نمی‌کردند، امروز پیشرفت دانش، پرده از روی این سفارش برداشته است. دستورهای اسلام درباره تربیت کودک به‌قدری زیاد است که نقل کمی از آنها، برای ما مقدور نیست؛ ولی خوشبختانه امروز این مسائل ارزنده، مورد توجه دانشمندان است و نویسندگان و گویندگان با طرز جالبی، نظر اسلام را درباره نحوه تربیت کودک تشریح می‌کنند.

• ایجاد شخصیت در کودک

مربیان کودک باید توجه کنند که کودکْ، یک انسان واقعی به‌تمام معناست؛ چیزی از انسانیت کم ندارد؛ چیزی که هست، انسانیت او در حال رشد و تکامل، پیشرفت و پرورش است و مربی باید از ذخایر و سرمایه معنوی و فطری او به‌تدریج بهره بگیرد.

یکی از اساسی‌ترین اصول تربیت، همان «احیای شخصیت کودک» است؛ یعنی باید به طفل فهماند که او یک انسان واقعی است و سپس به‌صورت یک انسان کامل با او سخن گفت و مطالب علمی و اجتماعی، روش‌های صحیح و اخلاقی را در افق فکر او توضیح داد، به سخنان او به‌طور دقیق گوش داده و مانند یک انسان کامل به گفت‌وشنود پرداخت، دست از تشریح و توضیح و افهام برنداشت، تا آنجا که کودکْ، حقیقت را بفهمد و باور کند.

ما در اینجا نمونه‌ای از گفتار پیشوایان خود که حاکی از طرز تربیت اسلامی است، نقل می‌کنیم تا گواهی برای گفتار خود آورده باشیم:

امام مجتبی علیه‌السلام روزی فرزندان و برادرزادگان خود را دعوت کرد و رو به آنها کرد و فرمود: «إنَّكُمْ صِغارُ قَومٍ وَيُوشَكُ أنْ تكُونُوا كِبارَ قَومٍ آخرينَ؛ فَتَعَلَّمُوا العِلْمَ؛ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ»؛

شما کودکان امروز و بزرگان اجتماع آینده هستید؛ بر شماست که تحصیل علم کنید و هرکس از شما که نمی‌تواند مطالب را حفظ کند، درس خود را بنویسد و در موقع لزوم به آن مراجعه کند.

دقت شود، امام مجتبی علیه‌السلام چگونه می‌خواهد، فرزندان خود را تربیت کند. ایشان می‌خواهد، فرزندانش دانش بیاموزند؛ ولی هرگز در این راه به‌شدت و خشونت متوسل نمی‌گردد و با سیطره و فشار، آنها را وادار به درس خواندن نمی‌کند؛ چرا؟ زیرا اثر آن، موقت و مایه پیدایش عقده‌هایی است که بعدها جبران‌ناپذیر است.

او در ایجاد شخصیت، با باز کردن فکر کودک، امیدوار ساختن او به آینده خود و با تشریح منافع دانش‌اندوزی، وارد گفت‌وگو شده و عملاً برای آیندگانْ روش صحیح تربیت را می‌آموزد.

• ۳. اثرگذار نبودن تربیت یک بعدی

تربیت صحیح از نظر کارشناسان چنانکه گذشت، این است که توان‌های موجود در مورد تربیت به فعلیّت درآید و در این مورد بین انسان و غیرانسان تفاوتی نیست؛ حتّی در پرورش یک واحد گیاهی، این ضابطه صادق است. کار باغبان جز این نیست که شرایط را برای پرورش درخت و اظهار توان آن، فراهم آورد. او هرگز در نهال ایجاد قابلیت و شایستگی نمی‌کند و نهال خشکیده‌ای که فاقد استعداد و لیاقت باشد، از حوزه کار باغبان بیرون است.

در مورد انسان نیز همین ضابطه حاکم است. معلم اخلاق کوشش می‌کند تا توان‌های مورد تربیت را که به سعادت او می‌انجامد، به فعلیت درآورد؛ ولی تربیت انسان با تربیت واحد گیاهی و یا حیوانی تفاوت زیادی دارد.

نهال و دام، تکامل یک‌بعدی دارند و باغبان و یا دامدار، کوشش می‌کند هرچه بهتر نهال به ثمر بنشیند و یا جاندار، رشد بیشتری یابد و از آن بهره و یا بهره‌های مادّی بگیرد؛ ولی در مورد انسان جریان به‌گونه‌ای دیگر است. آفرینش او ابعاد گوناگونی دارد و مهندسی صحیح انسان جز با توجه به تمام ابعاد او صورت نمی‌پذیرد.

انسان از یک طرف بعد آگاهی دارد و می‌خواهد، از مجهولات خود پرده بردارد و علل پدیده‌ها را کشف کند و این نوع گرایش خود را از همان دوران کودکی نشان می‌دهد. آنگاه که کودک صدایی را می‌شنود، فوراً به آن طرف توجه می‌کند تا از علت آن آگاه شود.

از طرف دیگر او بُعد زیبایی‌خواهی دارد. از موجودات زیبا کاملاً لذت می‌برد و همین بعد است که او را به نقاشی‌های زیبا و کاشی‌کاري‌های متنوع و سایر انواع زیبایی‌ها سوق می‌دهد.

از جانب سوم بعد اخلاقی دارد؛ میل به عدالت و گرایش به دستگیری از بینوایان از مظاهر این بعد اخلاقی است؛ مثلاً از روز نخست، جز راستگویی در روان انسان نیست و اگر عوامل دیگر او را منحرف نکند، پیوسته حقیقت‌گوست و گرد دروغ نمی‌چرخد.

با توجه به این گرایش‌های سه‌گانه (میل به آگاهی، میل به زیبایی، میل به فضائل اخلاقی)، بُعد چهارمی در آفرینش او نهادینه است و آن، توجه به ماورای طبیعت و به‌عبارت دیگر «خداخواهی» و «خداجویی» است که اگر عوامل خارجی در آن تصرف نکند، پیوسته انسان خود را متعلق به عالم دیگر می‌داند؛ لذا دیرینه‌ترین آثار باستانی که باستان‌شناسان بر آن دست یافته‌اند، معبدها و مساجد است.

با توجه به این ابعاد چهارگانه چگونه می‌شود، سعادت انسان را در یک بعد؛ یعنی جنبه‌های مادی انسان خلاصه کرد؟

اخلاق غربی، با انگیزه‌های مادی به تربیت انسان‌ها می‌پردازد و از جنبه‌های دیگر کمتر دم می‌زند. احترام به همسایه را لازم می‌داند، نه به‌خاطر اینکه همسایه است که نوعی با او ارتباط و پیوند دارد؛ بلکه به‌خاطر اینکه در غیاب او از خانه‌اش مراقبت کند و یا حتّی به خانه او دستبرد نزند.

امروز، در تمام کشورهای غربی و شرقی، علوم انسانی تدریس می‌شود؛ اما رویکرد همه، جنبه مادی و سودجویی و سودخواهی است؛ ولذا اخلاق غربی نمی‌تواند از سعادت انسان دم بزند.

هم‌اکنون که قلم روی این کاغذ می‌گردد، هنوز جنگ اوکراین و روسیه به پایان نرسیده، جنگ دومی خانمان برانداز در قاره آفریقا (سودان) آغاز شده است و هر دو گروه تا دندان مسلّحند. هدف از روشن کردن آتش این جنگ‌ها چیست؟ بازیگران صحنه سیاست از آن بهتر آگاهند!

هجوم مهاجران از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند، به‌صورت فزاینده در جریان است. بگذریم از اینکه قسمتی از این مهاجران، قبل از وصول به مقصد، طعمه طوفان‌ها و امواج دریا گشته و غرق می‌شوند. اگر بر کشورهای مجاور، اخلاق انسانی حاکم بود، دست کمک و یاری به سوی آنها دراز نموده و آنان را در همان کشور خود اسکان می‌دادند و رفع نیاز می‌کردند؛ ولی از آنجا که اخلاق واقعی سعادت‌ساز در آنجا بسیار کمرنگ است، چنین کاری صورت نمی‌گیرد.

• تکامل اخلاقی همه‌جانبه

بیان گذشته روشن کرد که سعادت انسان در گروی تکامل همه جانبه است و بیش از همه، بعد خداخواهی و خداجویی است که از درون می‌فهمد که دستی از غیب، او را به این جهان آورده و همان نیز او را به جهان دیگر می‌برد و تمام کارهای او به وقت خود، محاسبه می‌شود. اگر این بعد در جوامع غربی و شرقی تقویت شود، بسیاری از این جنگ‌های خانمان برانداز و حرص فزاینده برای اندوختن ثروت و اموال، کاهش پیدا می‌کند.

یک مثال روشن: در زندگی امروز غربیان؛ خصوصاً آمریکا، آزادی حمل سلاح است که همه خانواده‌ها مسلح هستند و طبق آمار عدد سلاح بیش از آمار انسان‌هاست. منطق آنان این است که سلاح باید آزاد باشد تا کارخانه‌های سازنده سلاح به نوا برسند؛ اما در این فکر نیستند که هر روز جوانی مسلح در مدرسه یا مجالس جشن، انسان‌ها را به خاک و خون می‌کشد تا آنجا که معلمان، از تدریس در مدرسه ترس و هراس دارند. محدودیتی که برای داشتن سلاح قائل شده‌اند، این است که انسان کمتر از ۱۸ سال حق داشتنِ سلاح را ندارد؛ ولی همین اصل، خودش مصیبت زا است؛ زیرا انسان هجده‌سال به بالا، بهتر می‌تواند با سلاح به اهداف شوم خود برسد.

• امنیت در پرتو پرورش روح دوری از ستم

قرآن مجید در آیه‌ای به این نکته والا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾؛ آنانکه ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنان است و آنها هدایت یافتگانند.

گاهی واژه ظلم به شرک تفسیر می‌شود. مسلماً این تفسیر بیان یک مصداق است؛ زیرا شرک نوعی تعدی به حقوق الهی است؛ ولی از آیه می‌توان معنی کلی را استفاده کرد. اگر در جامعه‌ای، حقوق افراد مورد تعدی قرار نگیرد، آنها امنیت همه‌جانبه دارند.

امروز در تمام کشورها دادگستری‌ها، در حال توسعه و گسترش هستند و مسلماً در سایه چنین گسترشی، فرو ریختن اصول اخلاقی و حذف خداترسی از محاسبات است.

لقمان حکیم آنگاه که به تربیت فرزند خود می‌پردازد، اساس تربیت را این می‌داند که در فرزند خود روح خداشناسی را بیدار کند. بعداً به احیای دیگر فضایل می‌پردازد و می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾؛ فرزندم برای خدا شریکی قرار مده؛ زیرا شرک ستم بزرگی است.

او فرزند خود را از دوگانه‌پرستی باز می‌دارد و این، به‌خاطر یک اصل اخلاقی است و آن اینکه دوگانه‌پرستی، از مصادیق تعدّی به حق دیگران است و در حقیقت می‌خواهد، روح عدالت‌خواهی و حق‌جویی را با بیان یک مصداق، در فرزند خود پرورش دهد.

در اینجا این موضوع را با دو روایت به پایان می‌بریم:

۱. در برخی از روایات است که حضرت یعقوب علیه‌السلام در ضمن نصایح به فرزندش یوسف علیه‌السلام، این سخن را گفت: «یا بنيّ لا تنس الله»؛ هیچ‌گاه خدا را فراموش مکن! ولذا هنگامی که همسر عزیز مصر، او را در خلوتگاه به عمل جنسی دعوت کرد، او در پاسخ به همین اصل تکیه نمود و گفت: «مَعَاذَ اللهِ إِنَّهُ رَبِّي»؛ به خدا پناه می‌برم؛ او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است. تکیه‌گاه او ترس از خدا بود که کام‌جویی از همسر او در پیشگاه خدا، نوعی ناسپاسی و حق‌ناشناسی است.

۲. عبدالله‌بن جعفر همسر دخت گرامی امیر مؤمنان حضرت زینب علیهاالسلام است.

در بیرون از شهر با دوستان خود مشغول غذا خوردن بودند. چوپانی از کنار آنها گذشت. از او خواستند که از غذای آنها میل کند. او در پاسخ گفت: من روزه‌ام.

این جمله را گفت و گذشت. دوستان عبدالله او را به ریا و دروغ متهم کردند. عبدالله گفت آزمایش آن آسان است؛ به سراغ او رفتند و درخواست کردند، یکی از گوسفندان را در اختیار آنان بگذارد. او در پاسخ گفت:

از آن من نیست؛ مالک دارد. در پاسخ او گفتند: به‌هنگام غروب به مالک بگو: گوسفند، طعمه گرگ شده است. در پاسخ گفت: فأین الله؟ یعنی اگر توانستم، مالک را گمراه کنم؛ اما حساب خدا و کتاب او قابل تحریف نیست.

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ امروز به هیچ‌کس ذره‌ای ستم نمی‌شود و جز آنچه که انجام داده‌اید، جزا داده نمی‌شوید.

در نظریه «فروید» زیربنای مسائل اخلاقی حتّی دیگر مسائل اجتماعی، تنظیم امور جنسی است. اگر نظریه او را صحیح و پابرجا بدانیم، تکامل انسان یک‌بعدی خواهد بود؛ زیرا در این نظریه ابعاد دیگر روح انسان که در آفرینش او نهادینه شده است، نادیده گرفته و چشم به تنظیم امور جنسی دوخته شده است و سوگمندانه اصول اخلاقی هم بر این اساس بنا شده است. در این مکتب از میل به فضائل و انزجار از رذائل خبری نیست؛ گویا انسان هرگز این نوع گرایش را بو نکرده است.

گذشته بر این فرویدیسم، با مسائل مشکلی روبه‌رو است که محققان در نقد نظریه به توضیح آن پرداخته‌اند.

در مکتب ماتریالیست‌های اخیر که زیر بنا را اقتصاد می‌دانند، سخنی از اخلاق به‌معنای واقعی وجود ندارد. تمام همت این مکتب بر این است که ابزار تولید را از دست ملّت بگیرد و به دست دولت‌ها بسپارد و از هر فرد به‌اندازه توان کار بکشد و به‌اندازه نیاز مزد پرداخت کند. در این نظریه، درحالی‌که ظالمانه هست، فقط یک بعد انسان مطرح شده است و آن بعد تأمین زندگی است.

اخلاق جامع همان است که بر اساس نگرش به تمام ابعاد زندگی انسان استوار بوده و سعادت او در نگرش به همه ابعاد می‌باشد و چنین اخلاقی جز در مکتب وحی در جای دیگر وجود ندارد. قرآن مجید می‌فرماید: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»؛ آیا کسی که انسان را آفریده است، از حال آنها آگاه نیست؛ درحالی‌که او با خبر و آگاه است.

• اخلاق یونانی در مقایسه با اخلاق اسلامی

در عصر ترجمه که همه علوم یونانی به زبان عربی ترجمه شد، آنچه که مربوط به علوم طبیعی و ریاضی بود، مورد استقبال قرار گرفت؛ حتّی آنچه که نسبت به ما وراء‌الطبیعه بود نیز، در محافل فلسفی مطرح شد.

اما اخلاق یونانی در مقایسه با اخلاق اسلامی، بسیار کمرنگ و کم‌روح بود؛ لذا مورد استقبال قرار نگرفت و اگر بخواهیم، تفاوت این دو مکتب را از نزدیک ملاحظه کنیم، مقایسه دو کتاب که یکی نماینده اخلاق یونانی و دیگری نماینده اخلاق اسلامی است، می‌تواند شاهد گفتار ما باشد. کتاب نخست کتاب تهذیب الاخلاق وتطهیر الاعراق نوشته ابن‌مسکویه است که اخلاق یونانی را بازگو می‌کند و دیگری کتاب المحجة البیضاء، نگارش فیض کاشانی رحمه‌الله است که بر اساس داده‌های وحی سخن می‌گوید.

با ملاحظه این دو کتاب، عظمت اخلاق اسلامی کاملاً هویدا می‌گردد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. کنزالعمال: ۳۰۰/۱۶.
۲. بحارالأنوار: ۱۵۲/۲، باب ۱۹ فضل کتابة الحدیث وروایته.
۳. انعام: ۸۲.
۴. لقمان: ۱۳.
۵. یوسف: ۲۳.
۶. یس: ۵۴.
۷. ملک: ۱۴.

آثار جدید مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام روانه بازار نشر شد

مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام از انتشار چهار اثر جدید این مرکز خبر داد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام اکبری شاهرودی در حاشیه مراسم رونمایی از تازه‌های نشر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، با بیان اینکه این مرکز با رصد نیازهای نظام مقدس اسلامی و پژوهش و تحقیق درباره آنها در عرصه‌های مختلف از جمله اعتقادی و فقهی، توانسته خدمات ارزشمندی در زمینه تحقیق و پژوهش فقه نظام نماید، گفت: در همین راستا، توانسته‌ایم طی یک سال گذشته، حدود ۵۰ اثر ارزشمند را تقدیم اساتید و محققان حوزه و دانشگاه نماییم که مورد استقبال فراوان قرار گرفته است.

مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام افزود: این انتشارات، به چاپ و نشر آثار تولیدی در معاونت پژوهش این مرکز و مؤسسات تابعه پرداخته و توانسته است، بسیاری از نیازهای مطالعاتی اساتید و فرهیختگان را تأمین نماید.

وی، در ادامه، درباره اثر «درسنامه امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام در قرآن» که به‌تازگی روانه بازار نشر شده است، بیان کرد: این درسنامه که توسط مدیر گروه فقه ثقلین مرکز، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر طبسی به‌نگارش درآمده، توسط حجت‌الاسلام والمسلمین میرزاخان به‌شیوه درسنامه‌ای مطابق با واحدهای درسی حوزوی و دانشگاهی تدوین شده که جا دارد، مراکز حوزوی و دانشگاهی، این اثر را رسماً به‌عنوان متن درسی در سرفصل‌های خود وارد نمایند.

مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام گفت: اثر بعدی که به‌تازگی توسط دفتر انتشارات به زیور طبع آراسته شده، جلد اول از موسوعه ارزشمند «موسوعة أحکام المسجد فی الفقه المقارن» است که انصافاً موسوعه‌ای گران‌سنگ در باب احکام مسجد است که مؤلف آن، حجت‌الاسلام والمسلمین بهشتی دامغانی، با جمع‌آوری مباحث پراکنده فقهی درباره مسجد در کتب مختلف به‌صورت منسجم و فصل‌بندی مناسب، توانسته اثر بدیعی در حوزه خود به وجود آورد. از ویژگی‌ها و امتیازات این کتاب، استفاده از منابع دست اول و بسیار گسترده از فقهای درجه یک و مطرح مذاهب خمسه است.

حجت‌الاسلام اکبری شاهرودی، در ادامه با اشاره به انتشار کتاب «حنابله و وهابیت، گسست‌ها و پیوندها»، افزود: این کتاب ارزشمند که توسط محقق گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجابر مهدوی در مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی مشهد مقدس تحت اشراف مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام به رشته تحریر درآمده، به‌خوبی از عهده تبیین مبانی مشترک حنابله و وهابیت و نیز مابه‌الامتیاز هر یک برآید.

مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام افزود: آخرین اثری که به‌تازگی در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گرفته، شماره ۱۹ دو فصلنامه علمی پژوهشی فقه و اجتهاد است که شامل مقالاتی با عناوینی، همچون «اعتراض و اعتزال سیاسی در اندیشه فقهی فقیهان شیعه»، «بازخوانی محدوده نفقه همسر و دلالت آن بر مسئله اشتغال زنان»، «لزوم تخصص پزشک از دیدگاه فقه با رویکرد انتقادی به دیدگاه صاحب جواهر» و ... می‌باشد.

وی در پایان گفت: اساتید و پژوهشگران می‌توانند، این آثار را از فروشگاه‌های این انتشارات در قم و مشهد و نیز فروشگاه بوستان کتاب و انتشارات دلیل ما تهیه نمایند.

از سوی مدرسه عالی نواب مشهد

فراخوان مقالات «دوفصلنامه آموزه‌های فقه و اصول مقارن» منتشر شد

نخستین فراخوان مقالات دوفصلنامه «آموزه‌های فقه و اصول مقارن» به صاحب امتیازی مدرسه علمیه عالی نواب مشهد مقدس منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام کاظمی، سردبیر دوفصلنامه «آموزه‌های فقه و اصول مقارن» ضمن اعلام اولین فراخوان این نشریه، گفت: با توجه به راهبرد کلان مدرسه علمیه عالی نواب، مبنی بر تشکیل رشته‌های تخصصی در مقطع سطح ۴، این مدرسه تلاش کرده با گردآوری اساتید، اندیشمندان و دغدغه‌مندان این عرصه به عنوان اعضای محترم هیئت تحریریه، به بررسی و بحث درباره موضوعات مهم فقهی و اصولی که در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته‌اند، بپردازد.

سردبیر دوفصلنامه «آموزه‌های فقه و اصول مقارن» به بیان محورهای فراخوان پرداخت و ابراز داشت: موضوعاتی که در این فراخوان اعلام شده‌اند، شامل «قواعد و مسائل اصولی مقارن»، «قواعد فقه مقارن»، «فلسفه فقه و اصول مقارن»، «مکاتب فقهی و اصولی مقارن»، «مسائل و فروعات فقهی مقارن» و «مسائل مستحدثه فقهی مقارن» می‌باشد.

اساتید و فضلای حوزه و دانشگاه می‌توانند آثار خود را با رعایت شرایط مندرج در بخش «راهنمای نویسندگان» در سامانه نشریه «آموزه‌های فقه و اصول مقارن» به آدرس fam.journals.hozehkh.com ارسال کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۲۲۵۹۵۵۹-۰۵۱ داخلی ۲۳۱ یا شناسه ایتا @FAM_PajooheshNavvab تماس بگیرند.